

جایگاه زنان برجسته از منظر قرآن کریم

حجت الاسلام والمسلمین علیجان کریمی*

مقدمه

از دیدگاه قرآن، جنسیت، ملاک شایستگی و مقام معنوی در نزد خدا نیست؛ از این رو همان‌گونه که مردان بزرگی از انبیا و اولیا سر مشق انسان‌ها قرار گرفته‌اند، زنان برجسته‌ای بوده‌اند که در ابعاد مختلف عبادی، اخلاقی، خانوادگی و اجتماعی می‌توانند سر مشق مومنان باشند. برای نمونه قرآن برای مومنان - چه زن و چه مرد - دو بانورا سر مشق قرار داده است: یکی آسیه همسر فرعون و دیگری، مریم دختر عمران؛ آن‌جا که می‌فرماید: «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ... وَ مَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ»^۱ اولی، به سبب مخالفت با نظام مستبد فرعون و بی‌زاری از تبه‌کاری‌های فرعون و دومی، به دلیل حفظ پاک‌دامنی، تصدیق کتاب‌های آسمانی و انبیا و نیز اطاعت خاضعانه از فرمان‌های خدا).

مقام زن پیش از اسلام

با مقایسه مقام و ارزش زن در اسلام با پیش از اسلام از ملت‌های مختلف، ارزش کار اسلام بیشتر نمایان می‌شود. در جزیره‌العرب پیش از اسلام، زن همانند کالایی به ارث برده می‌شد؛ هر کس وارث مال میت بود، همسر او را نیز به ارث برده، از ازدواجش جلوگیری می‌کرد تا اینکه بمیرد و اموالش را به ارث ببرد. برخی نیز بر همسر خود آن‌قدر سخت‌گیری می‌کردند تا زن بی‌چاره به اجبار مهرش را ببخشد و خود را آزاد کند. خداوند متعال مردم را آشکارا از این عمل ظالمانه نهی کرده است؛ آن‌جا که می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَجِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرْتُوا النِّسَاءَ كُرْهًا وَلَا تَعْضُلُوهُنَّ لِتَذْهَبُوا بِبَعْضِ مَا

* پژوهشگر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

آتَيْتُمُوهُنَّ؛^۱ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بر شما روا نیست که زنان را به‌رغم آن‌که خواهان ازدواج‌اند، از ازدواج بازدارید تا از آنان ارث ببرید، و نباید بر همسران خود سخت بگیرید تا بخشی از آن‌چه مهرشان کرده‌اید در برابر طلاق‌شان بازستانید.

بدتر از این عمل ناپسند، برخی دختردار شدن را مایه ننگ می‌دانستند، به طوری که اگر چنین می‌شد او را زنده به گور می‌کردند.^۲ جاهای دیگر نیز، با زنان رفتارهایی مشابه صورت می‌گرفت. برای نمونه، در مصر تا پیش از آن‌که به دست سپاه اسلام فتح شود، مرسوم بود در روز معینی از سال یک دختر را برای زیاد شدن آب نیل در آن غرق می‌کردند.

تساوی زن و مرد در آفرینش

در نگاه قرآن کریم، زن و مرد از جهت انسان بودن مساوی بوده، سرشت یگانه‌ای (نفس واحده) دارند: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ». ^۳ در بعضی آیات به آفرینش بشر - چه زن و چه مرد - از گل اشاره شده است: «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ طِينٍ». ^۴ هم‌چنین روحی که در کالبد هر انسانی دمیده می‌شود، مذکر یا مونث نیست. افزون بر آن، بسیاری از خطاب‌های قرآن، مانند «يَا أَيُّهَا النَّاسُ»^۵ «یا ایها الانسان»^۶ شامل عموم انسان‌ها، فارغ از زن و مرد بودن یا رنگ و نژاد و یا هر تمایز دیگری است. بنابراین، هیچ کدام از جهت ماده خلقت و انسانیت بر دیگری برتری ندارد.

تساوی زن و مرد در دست‌یابی به مقامات معنوی

قرآن کریم به صراحت از همسانی زن و مرد در استعداد دست‌یابی به مقامات معنوی و بهره‌مندی از پاداش اخروی سخن گفته است: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»^۷ هرکس از مرد یا زن کار شایسته کند و با ایمان باشد، بی‌تردید او را به زندگی پاک و پاکیزه‌ای زنده خواهیم داشت، و به

۱. نساء: ۱۹.

۲. نحل: ۵۸-۵۹ و زخرف: ۱۷.

۳. نساء: ۱.

۴. انعام: ۲، اعراف: ۱۲ و سجده: ۷.

۵. برای نمونه: بقره: ۱۶، ۲۱ و نساء: ۱، ۱۷۰.

۶. برای نمونه: انشقاق: ۶.

۷. نحل: ۹۷.

چنین کسانی بر پایه بهترین کاری که انجام می‌دادند، پاداش خواهیم داد». بنابراین، تمام خطاب‌هایی که به مومنان شده هر چند به لفظ مذکر باشند، شامل زنان نیز می‌شود. در سوره احزاب از زنان و مردان دارای فضیلت در کنار هم یاد شده و بشارت بهره‌مندی از آموزش و پاداش بزرگ به هر دو گروه داده شده است. هر زن یا مردی که دارای این صفات باشد، در نظر خدا برجسته و نمونه است: پای‌بندی به احکام دین، دین باور، اطاعت خاضعانه از خدا و رسولش، راست‌گویی، شکیبایی در امور، فروتنی، انفاق، روزه‌داری، پاک‌دامنی و یاد خدا با زبان و دل. چنین مردان و زنانی به طور مساوی از آموزش و پاداش بزرگ اخروی بهره‌مند خواهند بود.^۱

تساوی زن و مرد در حقوق

با توجه به همسانی زن و مرد در سرشت انسانی و تساوی آنان در شایستگی برای کسب مقامات معنوی، زن همانند مرد از حقوقی برخوردار است. جامع‌ترین و جالب‌ترین جمله درباره حقوق مساوی زن و مرد، این آیه است:^۲ «وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ؛ و مانند همان وظایفی که به سود مردان بر عهده زنان است، به طور شایسته، به سود زنان بر عهده مردان می‌باشد». البته این تساوی با حفظ وزن اجتماعی افراد و نقش آنان در زندگی اجتماعی است.^۳ پیامبر ﷺ پس از فتح مکه همان‌گونه که از مومنان بیعت گرفت، به فرمان خدا موظف شد از زنان نیز بیعت بگیرد؛^۴ به این صورت که ظرف آبی گذاشتند، پیامبر دست مبارک خود را در آب گذاشت و هر زنی که می‌خواست بیعت کند دستش را در ظرف آب می‌نهاد.^۵ بر این اساس، یکی از حقوق اساسی زنان مشارکت سیاسی است.

زنان برجسته و تاریخ‌ساز

بر اساس گزارش قرآن از تاریخ ادیان و امت‌های گذشته زنانی بوده‌اند که دوشادوش مردان بزرگ، انبیا و اولیا، تاریخ‌ساز و منشا تحولات بزرگ اجتماعی بوده‌اند و می‌توانند سرمشق زنان با ایمان و بلکه مردان با ایمان باشند. برخی از این زنان، در پیشرفت توحید و نجات جان انبیا ﷺ

۱. احزاب: ۳۵.

۲. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۲، ص ۵۷۵.

۳. محمدحسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۲۳۲.

۴. ممتحنه: ۱۲.

۵. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۹، ص ۴۵۷.

و بعضی، در حفظ پاک‌دامنی و تربیت فرزند نمونه بوده‌اند. در این جا به چند مورد از آنان اشاره می‌شود:

یوکابد، آسیه و کلثوم

فرعون نگران ظهور مردی از تبار بنی اسرائیل بود که حاکمیت بلامنازع او را به خطر بیندازد؛ از این رو به فرمان وی هر پسری که به دنیا می‌آمد به قتل می‌رسید: «يُذَبِّحُ أَبْنَاءَهُمْ»^۱. اما این سه زن، در پرورش حضرت موسی عليه السلام و نجات جان وی که با نبوت و رهبری ایشان بنی اسرائیل از ستم فرعونیان رهایی یافتند، نقش موثری ایفا کردند.

از آنجا که خداوند متعال اراده کرده بود مستضعفان بنی اسرائیل را از شر فرعون نجات دهد و وارث حکومت فرعون سازد^۲، پس از تولد حضرت موسی، خدا به مادرش (یوکابد^۳) دل‌داری داده، به وی الهام کرد بدون نگرانی او را شیر دهد و هنگامی که احساس خطر کرد، وی را در دریا (نیل) بیفکند؛ هم‌چنین وعده داد که فرزندش را برگرداند، از پیامبران قرار می‌دهد.^۴

وقی که جریان آب، موسی را به کاخ فرعون رساند، ماموران نوزاد را نزد فرعون و آسیه بردند. آن‌ها پی بردند که این نوزاد متعلق به بنی اسرائیل است؛ از این رو فرعون بر اساس سیاست نسل‌کشی خود، تصمیم به قتل وی گرفت. این‌جا بود که خدا اراده خودش را از طریق آسیه در حفظ جان موسی به کار گرفت و آسیه با استفاده از سلاح عاطفه و امید، فرعون را از تصمیم خود منصرف ساخت: «قُرْتُ عَيْنِي لِي وَ لَكَ لَا تَقْتُلُوهُ عَسَىٰ أَنْ يَنْفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا»^۵ نور چشم من و توست! او را نکشید شاید برای ما مفید باشد، یا او را به عنوان پسر خود برگزینیم».

پس از آن نوبت به نقش آفرینی کلثوم خواهر موسی^۶ می‌رسد. وقتی یوکابد موسی را به نیل افکند احساسات و عواطف مادری وی به جوشش آمد؛ او نگران شیرخواره خود بود. از این رو خداوند به خواهر موسی عليها السلام فرمان داد تا از دور بدون اینکه فرعونیان متوجه شوند اوضاع را زیر نظر بگیرد. از آنجا که خدا به اراده تکوینی خود موسی عليه السلام را از گرفتن سینه هر دایه‌ای منع کرده بود، کلثوم که خود را آهسته آهسته به دربار فرعون رسانده بود، به آنان پیشنهاد داد خانواده‌ای را

۱. بقره: ۴۹؛ ابراهیم: ۶؛ قصص: ۴.

۲. قصص: ۵.

۳. عبدالحسین شبستری، أعلام القرآن، ص ۱۶۰.

۴. قصص: ۷.

۵. همان: ۹.

۶. عبدالحسین طیب، اطیب البیان، ج ۴، ص ۴۳۸.

می‌شناسد که می‌توانند کفالت موسی علیه السلام را بر عهده بگیرند و از این راه مادرش را به عنوان دایه معرفی کرد. وقتی فرعونیان دیدند موسی علیه السلام فقط از سینه این دایه - که کسی جز مادر موسی نبود - شیر می‌خورد، موسی را به وی سپردند و وعده خداوند به مادر موسی مبنی بر برگرداندن ایشان به این بانو محقق شد.^۱

الگو بودن آسیه علیها السلام برای مومنان

آسیه علیها السلام به جز نجات جان موسی علیه السلام و پرورش وی در دامن خود، کوشید مانع از قتل مومن آل فرعون (حزقیل^۲) شود. وی تا آن زمان در پوشش تقیه، ایمان خود را حفظ کرده بود و به فرموده رسول اکرم صلی الله علیه و آله، لحظه‌ای به خدا کفر نورزید.^۳ فرعون وقتی به ایمان او پی برد، با میخ‌کوب کردن بدنش به زمین و گذاشتن سنگی بر سینه‌هایش وی را به شهادت رساند.^۴ آسیه در این حال از خداوند متعال دو چیز خواست: ۱. خانه‌ای در بهشت؛ ۲. نجات از دست ستمگران.^۵ آسیه با مراقبت از ایمان خود، حفظ جان موسی و پرورش او در دامن محبت خود و در پایان با شهادت در راه خدا، سرمشق و الگوی مومنان قرار گرفت.^۶ در حدیثی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله برترین زنان (و در روایتی برترین مردم) بهشتی چهار نفرند: خدیجه، فاطمه، مریم و آسیه.^۷ آسیه در حالی از برترین زنان به شمار آمده، که شوهرش فرعون، مستکبر، مفسد، شکنجه‌گر و آدم‌کش بود.^۸

حنه، اشیاع و مریم علیها السلام

این سه زن، در برهه‌ای از تاریخ بنی اسرائیل نقش مهمی در تربیت فرزند، تحولات دینی و رسالت انبیا علیهم السلام داشته‌اند. حنه و اشیاع خواهر بودند: اولی همسر عمران^۹ (از شخصیت‌های بزرگ بنی اسرائیل و به گفته‌ای یکی از انبیای الهی) و مادر بزرگ عیسی علیه السلام و دومی همسر زکریا علیه السلام^{۱۰} و مادر یحیی علیه السلام بوده است. پس از این دو بانو، مادر عیسی علیه السلام است که قرآن بارها

۱. قصص: ۱۱-۱۳.

۲. علی بن ابراهیم قمی، تفسیر القمی، ج ۲، ص ۳۴۸.

۳. محمد بن علی صدوق، الخصال، ج ۱، ص ۱۷۴.

۴. حسین بن علی ابوالفتح رازی، روض الجنان و روح الجنان، ج ۲۰، ص ۲۶۹.

۵. تحریم: ۱۱.

۶. همان.

۷. محب‌الدین طبری، ذخائر العقبی، ج ۱، ص ۴۲، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۸۲۱.

۸. قصص: ۴.

۹. مقاتل بن سلیمان، تفسیر مقاتل، ج ۱، ص ۲۷۱.

۱۰. سلیمان بن احمد طبرانی، تفسیر الکبیر، ج ۲، ص ۴۲.

از این بانوی بزرگ تجلیل کرده است.
 مادر یحیی به مریم در نهفت
 که یقین دیدم درون تو شهی است
 چون برابر اوفتادم با تو من
 این جنین، مر آن جنین را سجده کرد
 گفت مریم: من درون خویش هم
 بیشتر از وضع حمل خویش گفتم
 که اولوالعزم و، رسول آگهی است
 کرد سجده حمل من اندر زامن
 کز سجودش در تنم افتاد درد
 سجده‌یی دیدم از این طفل شکم^۱

حنه

در بنی اسرائیل مرسوم بود پسران را برای خدمت به معبد نذر می‌کردند؛ از این رو حنّه وقتی باردار شد با این تصور که فرزندش پسر خواهد بود، او را نذر کنیسه کرد^۲، اما بر خلاف انتظار فرزندش دختر بود. آن‌گاه وی از روی حسرت گفت: خدایا! آن فرزند پسری که من خواستم مانند این دختر نیست: «وَلَيْسَ الذَّكَرُ كَالْأُنثَى»^۳ (زیرا تصور می‌کرد فقط پسران می‌توانند خادم معبد باشند). این بانوی بزرگ از چند جهت می‌تواند سرمشق باشد: اول اینکه ناسپاسی نکرد و ناامید نشد، نام نوزادش را مریم (کنیزک خدا، خادمه) نهاد و از خدا خواست او و نسلش را از شر شیطان در امان بدارد^۴. دوم اینکه، پس از بزرگ شدن مریم عليها السلام او را برای خدمت به کنیسه فرستاد و با این عمل خود این رسم را که فقط پسران می‌توانند خادم معبد باشند، در هم شکست.

مریم عليها السلام

این بانوی بزرگ از همان دوران نوزادی به قدری عزیز شد که پس از مرگ پدرش بر سر

۱. جلال‌الدین مولوی، مثنوی معنوی، دفتر دوم، ابیات ۳۶۰۶ - ۳۶۰۲.

۲. آل‌عمران: ۳۵. علامه طباطبایی جمله «وَلَيْسَ الذَّكَرُ كَالْأُنثَى» را سخن خدا در پاسخ به تعجب حنّه دانسته است. در این صورت خداوند به حنّه فرموده: آن پسری که مورد نظر تو بود مانند این دختر نیست، زیرا تو نذر کرده بودی خدمت‌گزار کنیسه باشد، ولی این دختر نه تنها خود عابده و خدمت‌گزار کنیسه خواهد بود، بلکه در آینده مادر یکی از پیامبران اولوالعزم یعنی عیسی عليه السلام است (محمدحسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۱۷۱-۱۷۲).

۳. آل‌عمران: ۳۶.

۴. ملافتح‌الله کاشانی، منهج‌الصادقین، ج ۲، ص ۲۱۲؛ حسین بن علی ابوالفتح رازی، روض الجنان و روح الجنان، ج ۴، ص ۲۹۱.

کفالت او بین بزرگان بنی اسرائیل اختلاف ایجاد شد.^۱ سرانجام آنان توافق کردند قرعه بزنند.^۲ مریم علیها السلام چنان مورد عنایت و لطف خدا قرار گرفت که مستقیماً رشد و تربیت او را عهده‌دار شد و سرپرستی‌اش را بر عهده زکریا علیه السلام نهاد. زمانی که ایشان توانایی خدمت در کنیسه را پیدا کرد، اولین دختری بود که به این جایگاه نایل آمد. هرگاه زکریا علیه السلام در محراب عبادت بر مریم وارد می‌شد، نزد او رزقی می‌یافت که انتظارش را نداشت. آن‌گاه می‌گفت: «ای مریم! این از کجا برای تو آمده است؟» مریم گفت: «این از سوی خداست. خدا به هرکه خواهد، بدون محاسبه عملش روزی می‌دهد.»^۳

از حضرت مریم علیها السلام در قرآن به عنوان بانویی پاک‌دامن،^۴ تربیت شده از سوی خدا،^۵ عابده،^۶ نمازگزار^۷ و در یک کلام، بانویی که فرشتگان به او مژده دادند برگزیده و پاک ساخته است و بر زنان دوران خود برتری دارد، یاد شده است.^۸ از این روست که ایشان الگوی همه مردان و زنان قرار گرفته است.^۹

خدیده و فاطمه علیهما السلام

خدیده علیها السلام در نسب از برترین زنان قریش و دختر یکی از بزرگان بنی اسد به نام خویلد و مادرش فاطمه از قبیله قریش بود.^{۱۰} زنی تاجر و بسیار ثروت‌مند که پیش از ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله از او خواست کاروان تجاری‌اش را تا شام همراهی کند.^{۱۱} پس از همین سفر، ابوطالب با جمعی از بزرگان بنی هاشم به خواستگاری خدیده برای ازدواج با پیامبر اسلام رفتند. این بانوی بزرگ پس از پذیرش ازدواج با آن حضرت، مهریه را از مال خودش قرار داد.^{۱۲} او نخستین زنی بود که به

۱. محمدبن مسعود عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۷۳، ح ۴۷.

۲. آل عمران: ۴۴.

۳. آل عمران: ۳۷.

۴. همان: ۴۷؛ مریم: ۸-۲۳؛ تحریم: ۱۲.

۵. آل عمران: ۳۷.

۶. همان.

۷. همان: ۴۷.

۸. همان: ۴۲.

۹. تحریم: ۱۱-۱۲.

۱۰. احمد بن یحیی بلاذری، انساب الاشراف، ج ۱، ص ۳۶۹.

۱۱. محمد بن سعد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۵۶.

۱۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۳۷۴.

به پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ایمان آورد و همه اموالش را در راه اسلام انفاق کرد.^۱ به گفته مفسران آیه «وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَى؛^۲ و تو را فقیر یافت و بی نیاز نمود» در شان حضرت خدیجه عَلَيْهَا السَّلَام نازل شده که با ثروت وی رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از فقر نجات یافت.^۳ رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حضرت خدیجه عَلَيْهَا السَّلَام را یکی از زنان برتر عالم و بهشت دانسته است.^۴ پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تا آخر عمر شریفشان همواره از ایشان به نیکی یاد می کرد. ۵ هم چنین از او به عنوان مصداق بارز مقربون در آیه «عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ»^۵ یاد شده و آیات «وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ * أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ»^۶ یاد شده است.^۷ حضرت خدیجه عَلَيْهَا السَّلَام از آن جهت سرمشق است که در سختی ها حامی شوهرش بود. ایشان مادر فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام و منشا کوثر رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شد.

زمانی که دشمنان سرسخت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نتوانستند مانع رسالت حضرت شوند، بر اساس تفکر قبیلگی، خودشان را دل خوش کردند که ایشان پسر ندارد تا پس از مرگش راهش را ادامه دهد. آن-گاه سوره کوثر نازل شد و در مقام دلداری به حضرت فرمود: «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكُوثَرَ».^۹ فخر رازی از دانشمندان بزرگ اهل سنت، پس از اشاره به اینکه بنا به قولی مراد از کوثر فرزندان رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هستند، نوشته است: ببینید چه تعداد از ذریه پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شهید شدند؛ با این وجود نسل حضرت در همه عالم گسترش یافته و بزرگانی چون باقر، صادق، کاظم، رضا عَلَيْهِمُ السَّلَام، نفس زکیه و... از فرزندان حضرت فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام هستند، ولی از بنی امیه یک نفر که قابل ذکر باشد، باقی نمانده است.^{۱۰} آری، همان گونه که خداوند متعال به عمران و حنه، حضرت مریم عَلَيْهَا السَّلَام را داد که بسی با برکت تر از پسری بود که انتظارش را داشتند، به حضرت خدیجه و پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام را عطا کرد که نسل پاک پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از طریق وی گسترش یافت.

۱. یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستیعاب، ج ۴، ص ۳۸۰.

۲. ضحی: ۸.

۳. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۷۶۷.

۴. محمد بن علی صدوق، الخصال، ج ۱، ص ۲۰۶.

۵. یوسف بن عبدالله ابن عبدالبر، الاستیعاب، ج ۴، ص ۳۸۴.

۶. واقعه: ۱۰-۱۱.

۷. مطفین: ۲۸.

۸. علی بن ابراهیم قمی، تفسیر القمی، ج ۲، ص ۴۱۲؛ عبیدالله بن عبد الله حسکانی، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، ج ۲، ص ۴۲۵.

۹. حسین بن محمد راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص ۷۰۳.

۱۰. عمر بن محمد رازی، التفسیر الکبیر، ج ۳۲، ص ۳۱۳.

افزون بر ذکر قرآن از حضرت فاطمه علیها السلام به عنوان کوثر، آیات فراوانی منحصرأ به اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و شخص ایشان اشاره دارد، مانند آیات سوره مباحله،^۱ تطهیر،^۲ مودت^۳ و دهر.^۴ برکات معنوی فاطمه علیها السلام پس از شهادت آن حضرت، در فرزندان و نسل وی تداوم یافت که نمونه آن زینب کبری علیها السلام چشمه‌ای از کوثر فاطمه است. اوج ایثار و فداکاری و شجاعت مثال زدنی آن بانوی مکرم را در کربلا و دوران اسارت می‌توان دید. ایشان یادگار شایسته مادر بزرگش خدیجه و مادر بزرگوارش فاطمه علیها السلام بود.

به طور کلی در هر دوره تاریخی در کنار مردان بزرگ، زنان بزرگی نیز نقش آفرینی کرده‌اند که می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

هاجر در کنار ابراهیم، بلقیس همراه سلیمان، آسیه در کنار موسی، دختران شعیب همراه شعیب، مریم کنار عیسی، همسر ایوب همراه ایوب پیغمبر، خدیجه کنار پیغمبر، فاطمه همراه امیر المومنین، زینب کنار امام حسین علیه السلام و در کنار حضرت مهدی علیه السلام نیز ۳۱۳ نفر یار باوفاست که پنجاه نفر از آن‌ها زن‌اند.^۵

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. ابن سعد، محمد، الطبقات الکبری، بیروت: چاپ اول، دارصادر، ۱۹۶۷م.
۲. ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، تحقیق: علی محمد البجاوی، بیروت: دارالجهیل، (بی تا).
۳. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مصحح: محمدجعفر یاحقی، چاپ سوم، مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۷۶ش.
۴. بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، تحقیق: سهیل زکار و ریاض الزرکلی، چاپ اول، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۷ق.

۱. آل عمران: ۶۱.

۲. احزاب: ۳۳.

۳. شوری: ۲۳.

۴. دهر: ۵ - ۱۰.

۵. محسن قرائتی، برنامه درس‌هایی از قرآن سال ۶۷، زن در قرآن (۲)، ص ۴.

۵. حسکانی، عبیدالله بن عبدالله، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، تحقیق محمدباقر محمودی، قم: موسسه الطبع و النشر، ۱۳۹۳ق.
۶. رازی، عمر بن محمد، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، (بی جا)، (بی نا)، (بی تا).
۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، چاپ اول، بیروت: دار القلم، الدار الشامی، ۱۴۱۲ق.
۸. شبستری، عبدالحسین، اعلام القرآن، چاپ اول، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۹ش.
۹. صدوق، محمد بن علی، الخصال، تحقیق علی اکبر غفاری، چاپ اول، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ش.
۱۰. طباطبائی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، (بی جا): منشورات اسماعیلیان (بی تا).
۱۱. طبرانی، سلیمان بن احمد، التفسیر الکبیر: تفسیر القرآن العظیم، چاپ اول، اردن - اربد: دار الكتاب الثقافی، ۲۰۰۸م.
۱۲. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، چاپ اول، بیروت: انتشارات اعلمی، ۱۴۱۵ق.
۱۳. طبری، محب الدین، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، قاهره: مکتبه القدسی، ۱۳۵۶ق.
۱۴. طیب، عبدالحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، چاپ دوم، تهران: انتشارات اسلام، ۱۴۱۲ق.
۱۵. عیاشی، محمد بن مسعود، التفسیر العیاشی، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، چاپ اول، تهران: المطبعة العلمية، ۱۳۸۰ش.
۱۶. قرائتی، محسن، برنامه درس هایی از قرآن سال ۶۷، زن در قرآن، (بی جا)، (بی نا)، (بی تا).
۱۷. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، تحقیق موسوی جزائری، طیب، چاپ سوم، قم: دار الكتاب، ۱۴۰۴ق.
۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری، محمد آخوندی؛ چاپ اول، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ق.
۱۹. مقاتل، ابن سلیمان، تفسیر مقاتل، محقق: شحاته، عبدالله محمود، چاپ اول، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۲۳ق.